

## در من زنی بود که دیگر نیست

**شقایق آریان/** در اتاق محل کارم خبری‌زادی از نور نبود. کاغذهای روی میز را دسته‌بندی کردم. بر گه‌های یادداشت کوچک صوتی و تارنچی کنار هم. کارهای امروز، کارهای فردا. آن روز باید تا دیروقت می‌ماندم. مسئولی بالا سرم گذاشته بودند که از کار من هیچ نمی‌دانست. تلفن زنگ خورد و رفتم. در خیابان آفتاب مردادی تأیید. پیراهن چروک چهارخانه طوسی تنش بود. شلوار جین آبی روشن. موهای شانه‌نرده. سایه بلندش را تا کنار سایه‌ام رساند. بدون هیچ مقدمه‌ای پرسید: چرا دیر اومدی؟ از این سؤال تکراری حالم به هم می‌خورد. جواب دادم: سرکارم بودم. باید مرخصی ساعتی می‌گرفتم. مدیر بالا سرم ایستاده بود. گفتم: زود بر می‌گردم. حالا هم کارت رو بگو و برو. نگاهم کرد. من، اورا دوست می‌داشتم به اندازه تمام باغ‌های سیب روزهای دور. اما نگاهش را نشناختم. باد، داغی، آسفالت خیابان لخت را به صورتم می‌گوبید. چشم‌هایم می‌سوخت. مقنعه سیاهم را جلوتر کشیدم. آفتاب بی‌رحمی بود. عطر مرده‌اش را دوست می‌داشتم وقتی در هوای نملک می‌پیچید. چند ماه پیش وقتی دخترمان دوساله شد خودم برایش خریدم. اما حالا چند روز مانده به دادگاه، چند روز مانده به طلاق. هنوز در خیابان بودیم. سؤال و جواب‌های الکی را دوباره پرسید. گفتم: دیرم شده باید برگردم. ناگهان با ساقی پا هلم داد. زنی‌پایم خالی شد. هیچ عابری حالم را نرسید. هیچ زنی دستم را نگرفت. بعد از قهر خانه‌ای به دور از پدر و مادرم و نزدیک محل کارم گرفته بودم. بوی عطرش می‌آمد وقتی از زمین بلندم کرد. مادرش از پزشکی زدامی دانست. به خانه‌اش رفتم. مرخصی ساعتی داشت تمام می‌شد. درد داشتم. مادرش اصلاً نگاهم نکرد. گفت: باید امشب اینجا بماند و گر نه نمی‌تواند باین همه‌گودی شکایت کند. دختر کشمگم در اتاق کناری اشک می‌ریخت. او همه دار و ندار من بود. می‌دانستم وقت غذایش است. سه بار به دادگاه رفته بودم. بچه‌ها من باشد و دوباره پشیمان شده بودند. گفتند صدايت در نیايد. بچه نباید بفهمد اینجا جایی، هوایی می‌شود. بیشتر از بچه هوای دل خودم هم ریخت. مرخصی ساعتی خیلی وقت پیش تمام شده بود. شب تا صبح مادرش آنقدر ریخ و پایم گذاشت که صبح اثری از بکودمی نبود. صبح به سختی خودم را به محل کارم رساندم. مدیر اخمی کرد. یادداشت کارهای از دیروز مانده را از صفحه کامپیوتر برداشتم. یک کار نیمه را ننوشته بودم. تلفن را برداشتم. گفتم: برمی‌گردم. ما دوباره زیر یک سقف رفتم. دختر کوچکم بزرگ شده. من اورا دوست می‌داشتم، به اندازه باغ‌های گیلاس و انگور. باغ‌هایی که هیچ‌گاه مال ما نبودند. بوی عطر مرده‌اش هنوز می‌آید. اما مرد من زنی بود که دیگر نیست. شاید هیچ وقت برگردد.

## تصادف خونین اتوبوس و کامیون در سرچم

**گروه حوادث/** تصادف اتوبوس مسافربری با کامیون باری در جاده سرچم دوکشته و ۲۹ مصدوم برجا گذاشت. مجید غریبانی، رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی اردبیل با اعلام این خبر گفت: حدود ساعت ۳۸ دقیقه بامداد روز دوشنبه ۱۷ خرداد به دنبال تماس با سامانه ۱۱۵ استان اردبیل مبنی بر وقوع تصادف اتوبوس مسافربری با یک کامیون در مسیر سه راهی خلخال به سمت فیروزآباد در جاده سرچم و مجروح شدن تمامی سرنشینان اتوبوس، تعداد چهار دستگاه آمبولانس و یک دستگاه اتوبوس آمبولانس از اردبیل، سه دستگاه آمبولانس از شهر کوثر و یک دستگاه آمبولانس از شهر خلخال به محل حادثه اعزام شدند و اطلاع‌رسانی به هلال احمر و پلیس راه‌بری اعزام نیرو انجام شد. بعد از انجام اقدامات درمانی لازم توسط پرسنل اورژانس ۱۱۵، تعداد ۱۴ مصدوم به بیمارستان خلخال و ۱۵ مصدوم به بیمارستان فاطمی اردبیل منتقل شدند. از دوقربانی این حادثه نیز، یک نفر در دم جان باخته بود که بعد از راه‌سازی از خودرو توسط هلال احمر، به شهر هشتجین منتقل و مصدوم دیگر به علت جراحات وارده در مسیر بیمارستان فوت کرد. سایر مصدومان این حادثه حال مساعدی دارند.

# اجاره آدم‌کش برای قتل شوهر

**گروه حوادث/ زن جوان که فکر می‌کرد همسرش به او خیانت می‌کند با پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان مردی را اجیر کرد تا شوهرش را بکشد.**

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر سال گذشته، گزارش سرقت از خانه‌ای در غرب پایتخت به مأموران پلیس اعلام شد. با حضور تیم پلیسی در محل آنها با بدن نیمه جان صاحب خانه در حالی مواجه شدند که وسایل با ارزش خانه‌اش به سرقت رفته بود. مرد جوان که مدیر شرکت بازرگانی بود بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. وی پس از بهبودی در تحقیقات گفت: همسر و دو فرزندم برای خرید شب عبد خانه را ترک کردند و من به تنهایی داخل خانه بودم. بعد از خوردن چای، کمی احساس خواب‌آلودگی داشتم به رختخواب رفتم که ناگهان صدای مهیبی به گوشم رسید. چند لحظه بعد نیز مردی نقابدار را بالای سرم دیدم. او با چاقویی که در دست داشت به جانم افتاد و مرا تا حد مرگ زد. بعد هم ۳۰ میلیون تومان پول، ۵ سکه طلا، مقداری دلار، ۲ گوشی تلفن همراه و اسناد و مدارکی را که خیلی با ارزش بودند به سرقت برد. با شکایت مرد جوان تحقیقات به دستور بازپرس شعبه هفتم بازپرسی دادرسی ویژه سرقت آغاز شد. بررسی‌ها ادامه داشت اما هیچ رد و سرنخی از متهم متواری به دست نیامد تا اینکه چند روز قبل، مرد جوان با مراجعه به پلیس را یک توطئه شوم علیه خودش را فاش کرد. وی به پلیس گفت: با همسر مشکلیا سر موضوعی اختلاف پیدا کردم و کارمان به درگیری و دعوا رسید و پدر کمال ناباوری همسرم گفت که برای کشتن من یک آدمکش اجیر کرده بوده اما او

نتوانسته کارش را درست انجام دهد و قصد دارد این بار خودش مرا بکشد. به همین خاطر از همسرم شکایت دارم. با شکایت مرد جوان، به دستور بازپرس شعبه هفتم دادرسی ویژه سرعت، شکلیا بازداشت شد و تحقیقات برای دستگیری همدست او از سوی کارآگاهان پلیس ادامه دارد.

## گفت‌وگو با زن جوان

## شهرت مدعی است برای کشتن او آدم اجیر کرده‌ای!

بله برای اینکه شوهرم به من خیانت می‌کرد و نمی‌خواست به این موضوع اعتراف کند. رفتارهایش خیلی مشکوک بود. شب‌ها دیر به خانه می‌آمد و مدام سرش داخل گوشی اش بود. یک مواقعی به بهانه کار در شرکت می‌ماند اما وقتی با او تماس می‌گرفتم صدای زنی را می‌شنیدم. البته شوهرم می‌گفت هیچ زنی در زندگی اش نیست اما من باور نمی‌کردم. حتی گوشی تلفنش را می‌داد که من آن را چک کنم، ولی مطمئنم پیام‌ها و تماس‌هایش را از قبل پاک می‌کرد. من به رفتارهای او مشکوک بودم و این شک زمانی به یقین تبدیل شد که پیش یک فالگیر رفتم و به من گفت که زنی قد بلند در زندگی شوهرم هست و همین مسأله شک مرا به یقین تبدیل کرد.

## فقط به این دلایل به شهرت مشکوک بودی؟

دلایل کمی نبود. حتی یکی از دوستانم گفت از شهرت بخواه که سند خانه را به نامت بزنند. من هم به حامد گفتم و او هم در کمال ناباوری این کار را کرد. اما به جای اینکه اعتمادم بشوهرت شود شک با بیشتر شد. با خودم گفتم با این کار به من بچا داده که از روابط پنهانی اش سر در نیاورم.



## چطور آن مرد را اجیر کردی؟

من فروشنده لوازم آرایشی هستم و برای فروش وسایل به آرایشگاه‌ها می‌رفتم، یکی از آرایشگرها وقتی مشکلم را فهمید گفت برادرش، می‌تواند با تعقیب شوهرم به روابط پنهانی او پی ببرد. پیشنهادش را پذیرفتم و برادرش در ازای این کار من ۲۰۰ میلیون تومان گرفت. اما بعد از یک هفته به من گفت که همسرم با هیچ شخصی در رابطه نیست و من اشتباه می‌کنم.

## چرا باور نکردی؟

چون مطمئن بودم شوهرم پنهانکاری می‌کند و سعی دارد مرا بیمار روانی نشان دهد به همین خاطر تصمیم به قتلش گرفتم. به همین مرد جوان گفتم. ۲۰۰ میلیونی که قبلاً به تو دادم به اضافه تمام وسایل با ارزش داخل خانه را بردار، در عوض حامد را به قتل برسان.

## نقشه قتل چه بود؟

شب حادثه به بهانه خرید لباس شب عید برای بچه‌ها، حامد را داخل خانه تنها گذاشتم. قبل از آن هم داخل جای داروی بی‌هوشی ریختم تا شوهرم نتواند از خودش دفاع کند. برای اینکه کسی به من شک نکند، از مرد جوان خواستم در ورودی را بشکند و وارد خانه شود و نقشه قتل و سرقت را اجرا کند. وقتی بعد از خرید به خانه برگشتم و همسرم را نیمه جان دیدم با توجه به حضور بچه‌ها به اورژانس زنگ زدم و اورا به بیمارستان رساندم.

## وقتی دیدی شوهرت زنده است چه کردی؟

دوباره تصمیم به قتل گرفتم. در فضای مجازی فروشنده‌ای را پیدا کردم که قرص بترج و سیانور می‌فروخت. می‌خواستسم با آن حامد را به قتل برسانم. آن روز با حامد دوایم شد، اما در یک لحظه عصبانیت راز اجیر کردن آدمکش را برملا کردم.

## حوادث جهان /

## برخورد ۲ قطار مسافربری در پاکستان

واژگون می‌شوند. در مجموع، هزار و صد مسافر در این دو قطار حضور داشتند که ۴۰ نفر کشته و حدود ۵۰ نفر زخمی شدند. بین ۱۵ تا ۲۰ مسافر در میان لاشه‌های قطار گیر افتادند. هنوز مشخص نیست که چه عاملی موجب انحراف قطارها از ریل و برخورد آنها با یکدیگر شده است اما عملیات امدادرسانی سرعت‌آف‌شود و مجروحان به بیمارستان منتقل شدند.



# عامل قتل مأمور پلیس در ایستگاه محاکمه

سپس نماینده ناجا به جایگاه رفت و گفت: با توجه به اینکه تیراندازی از فاصله نزدیک صورت گرفته و متهم به صورت مستقیم به سینه مأمور پلیس شلیک کرده من به نمایندگی از ناجا درخواست مجازات متهم را دارم. بعد از آن علی دادگاه کیلوه ک استان تهران شنیدیم و از شیشه عقب ماشین دیدم مأمور پلیس به روی زمین افتاده است و بعد از شلیک هم علی بلافاصله سوار ماشین شد و فرار کرد. متهم بعدی هم که با قرار وثیقه آزاد بود در قتل محاکمه شد و در قتل نقش نداشته است. پس از پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

**گروه حوادث/** پرونده قتل یک مأمور پلیس با دستگیری متهم اصلی پرونده پس از ۱۶ سال در دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت سال ۸۴ با قتل یک مأمور در محل و تحقیقات اولیه متوجه شدند که استوار فولادوند و یکی از همکارانش حین انجام مأموریت به یک دستگاه خودرو پژو مشکوک شدند و به راننده دستور توقف دادند. مأموران پس از توقف خودرو قصد بازرسی بدنی راننده و ۲ سرنشین خودرو را داشتند که در این میان راننده گلوله‌ای به سوی استوار فولادوند شلیک کرد و متواری شد. به شهادت این مأمور پلیس، شناسایی متهمان در دستور کار پلیس قرار گرفت و پس از چند ماه مأموران موفق شدند رد و سرنشین خودرو را به‌دست آورند اما ردی از عامل اصلی شلیک به استوار که جوانی به نام علی بود، به دست نیامد. ۱۶ سال از این ماجرا گذشته بود که مأموران پلیس دریافتند علی در یکی از شهرستان‌های غربی کشور به‌صورت مخفیانه زندگی می‌کند و مأموران در عملیات او را دستگیر کردند. علی که حالا ۴۳ ساله است پس از دستگیری به قتل استوار اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: روز حادثه من و ۲ نفر از دوستانم در حال رفتن به باغی در شهریار بودیم که مأموران به ما دستور ایست و بازرسی دادند؛ چون اسلحه همراهم بود به دروغ گفتم نظامی هستم و به‌همین خاطر اسلحه همراه دارم؛ اما وقتی مأمور پلیس می‌خواست اسلحه را از من بگیرد یک تیر به سمت او شلیک شد. وی درباره اینکه چرا اسلحه همراهش بوده نیز گفت: ما آن روز با فردی قرار داشتیم که مدعی بود دستگاه زیرخاکي و گنج‌یاب دارد. به‌خاطر اینکه فکر می‌کردم ممکن است خطری ما را تهدید کند از یکی از دوستانم اسلحه‌ای به امانت گرفتم. به این ترتیب علی پس از بازسازی صحنه جرم و تکمیل پرونده‌اش به اتهام قتل، مشارکت در سرقت مسلحانه و حمل سلاح گرم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. در ابتدای جلسه وکیل مدافع اولیای دم درخواست قصاص کرد و در توضیح بیشتر گفت: شهید فولادوند در زمانی که به شهادت رسید پسر سه ماهه‌ای داشت که حالا ۱۶ ساله است. بعد از این ماجرا خانواده‌اش آسیب زیادی دید که غیرقابل جبران است و من از طرف آنها تقاضای قصاص دارم.

## کلاهبرداری با لوگوی صدا و سیما

مشخص شد متهم اصلی این پرونده یک زندانی است که داخل زندان اقدام به تشکیل یک باند کلاهبرداری کرده و باهمدستی ۴۰۰ نفر دیگر که بیرون از زندان مأمور اجرای نقشه‌های وی بودند حساب بیش از ۳۰۰ نفر را به همین روش خالی کرده‌اند. کارآگاهان پلیس فتا با تحقیقات میدانی و اطلاعاتی دریافتند، متهمان از طریق تماس و اتسابی و استفاده از لوگوی صداوسیما برای اعتمادسازی مالباختگان با آنها تماس گرفته و با چرب زبانی به بهانه برنده شدن در یک مسابقه رادیویی اطلاعات بانکی و رمز ورود به اینترنت بانک افراد را گرفته و مبلغ کلاهبرداری را به حساب دو نفری که بیرون از زندان برای عملیات بعدی منتظر بودند واریز می‌کردند. در ادامه تحقیقات مشخص شد که متهمان با مبالغ سرقتی از فروشگاه‌های سطح شهر، کالا و همچنین سکه

**آگهی تغییرات شرکت فرم ایده آل بلاست آریا شرکت سهامی خاص**

بشماره ثبت ۲۷۸۵۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۳۶۶۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۰۳/۰۲/۱۴۰۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس: استان تهران، شهر تهران، بخش مرکزی، محله شهید قندی - نیلوفر، خیابان شهید قنبرزاده، خیابان خرمشهر، پلاک ۲۱۸ ساختمان ۲۱۸، طبقه سوم، واحد ۱۶، کدپستی ۱۵۳۳۷۴۳۷۴۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

**اطلاعیه**

شهرداری قم

**شهرداری قم در نظر دارد نسبت به واگذاری املاک و مستغلات با مشخصات و شرایط کلی موجود در سامانه [peyman.qom.ir](http://peyman.qom.ir)**

از ۲۲/۰۳/۱۴۰۰ لغایت ۰۴/۰۴/۱۴۰۰ از طریق مزایده عمومی به متقاضیان واجد شرایط اقدام نماید.

**آگهی مناقصه**

شرکت پتروشیمی غدیر  
Ghدير Petrochemical Co.

**مناقصه ساخت و نصب مخزن به‌شماره TK-6B و برچیدن مخزن قدیمی**

این شرکت در نظر دارد ساخت و نصب مخزن به‌شماره TK-6B و برچیدن مخزن قدیمی خود را از طریق مناقصه عمومی به شرکت معتبر و واجد شرایط واگذار نماید. لذا بدین‌وسیله از شرکت‌های توانمند در این زمینه دعوت می‌شود جهت شرکت در مناقصه به سایت [www.gpc.ir](http://www.gpc.ir)

مراجعه و از تاریخ: ۱۸/۰۳/۱۴۰۰ لغایت ۱۲/۰۴/۱۴۰۰ نسبت به ارائه پیشنهادات در سه‌پاکت الف-ب-ج به آدرس زیر اقدام نمایند.

**آدرس: خوزستان، ماهشهر، منطقه ویژه اقتصادی سایت ۳ پتروشیمی غدیر، دبیرخانه محرمانه حر است، تلفن تماس: ۰۶۱۵۲۱۳۴۶۱۷**

**تلفن تماس: ۰۶۱۷۹۱۰۰۰۰ داخلی ۴۲۱**

**روابط عمومی شرکت پتروشیمی غدیر**

**آگهی تغییرات شرکت صبا شیمی آریا سهامی خاص**

بشماره ثبت ۲۷۷۴۳۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۸۵۹۶۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۰۳/۰۲/۱۴۰۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمدحسین چاوشی طهراني به‌شماره ملی ۰۰۵۶۶۳۵۰۸۹۱ - حامد دفتري‌منش به‌شماره ملی ۰۰۷۱۶۶۶۷۵۳۱ - محمدحسین دفتري‌منش به‌شماره ملی ۰۰۷۵۴۳۱۳۰۵۰ به سمت اعضای هیأت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

**فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای**

شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران به آدرس: تهران خیابان طالقانی نرسیده به چهارراه افتتاح ساختمان شماره ۲۰۰ در نظر دارد تأمین خدمات انبارداری و پشتیبانی مجتمع انبارهای شهید طاهری واقع در کیلومتر ۲۲ جاده ساوه، اسلامشهر بعد از میدان قائم را برای مدت یکسال با برآورد حدود ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یکصد و چهارده میلیارد) ریال با توجه به موارد ذیل به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۲۱-۸۱۳۱۳۱۳۵۴۲-۰۲۱ تماس حاصل و یا با ورود به درگاه اینترنتی [www.nigceng.ir](http://www.nigceng.ir) و درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) متن کامل آگهی را رویت نمایند.

ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به‌شماره ۱۳۳۴۰۲/ت-۵۰۶۵۰۵۰۵ مورخ ۹۴/۰۳/۱۴۰۰ هیأت وزیران) به مبلغ حدود ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (پنج میلیارد و هفتصد میلیون) ریال

مهلت اعلام آمادگی جهت حضور در مناقصه ۷ روز پس از تاریخ آگهی نوبت دوم می‌باشد.

اسناد مناقصه پس از انجام ارزیابی کیفی، توسط حائزین اخذ امتیاز لازم صرفاً از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) قابل دریافت می‌باشد.

گشایش پاکت مالی پس از بازگشایی پیشنهادها در سامانه ستاد در کمیسیون مناقصات انجام خواهد گردید.

ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس سایت اینترنتی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) و با کد فراخوان ۰۰۰۰۰۹۱۳۱۳۱۰۰۰۰۰ انجام خواهد پذیرفت. لذا لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت کداهی امضا الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازد.

**روابط عمومی شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران**